موضوع: علم حضوری و علم حصولی

ارزیابی مساله خطاناپذیری علم حضوری

یکی از مباحثی که در علم حضوری مشهور است، مساله خطا ناپذیری علم حضوری است. در جلسه قبل گفته شد که علم حضوری اگر مسبوق به علم حصولی نباشد، این سخن درست است زیرا واقعیت معلوم نزد عالم حاضر است و واسطه ای برای مکشوف شدن معلوم در کار نیست و لذا بحث انطباق و عدم انطباق منتفی است. معمولا هم در باب علم حضوری و علم حصولی، این علم حصولی است که مسبوق به علم حضوری است. ما هر جا علمی داریم، نفس ما یک نحوه علم حضوری به آن معلوم دارد که در مرتبه اول برای ما شکل می گیرد. ولی در اینجا یک مطلب دقیق وجود دارد و آن اینکه گاه در مرتبه دوم و بر اساس علم حصولی یک علم حضوری دیگر شکل می گیرد، در اینجا زمینه صواب و خطا به وجود خواهد آمد. مثال روشن آن علم حضوری ثانوی ما به وجود خداوند است. ما پذیرفتیم که همه انسانها بر اساس آنچه در سرشت و فطرت آنها است، گرایش و تمایل به کمال برین دارند و این تمایل یک نحوه معرفت حضوری و لو اجمالی و غیر مشعر را به همراه دارد. این معرفت حضوری یک معرفت حصولی را نیز برای فرد ایجاد می کند. در مرتبه بعد برای فرد ممکن است یک معرفت شهودی شکل گیرد به این صورت که از طریق عرفان عملی، به یک معرفت حضوری نسبت به وجود خداوند به دست آورد. از آنجا که این انسان سالک نسبت به وجود خداوند تصورات و باورهایی دارد و بدون شک اندوخته های ذهنی او با پیروان سایر ادیان دیگر متفاوت است، این شهود او ممکن است نادرست باشد. این تصورات و باورهای پیشینی در مقام تمثیل همانند عینکی است که فرد بر چشم می زند و از پشت آن عینک امور را شهود می کند. اگر عینک او قرمز باشد، اشیا را قرمز می بیند. بنابراین درست است که همه این واقعیت را شهود می کنند اما شهودهای آنها متفاوت است. در اینجا دیگر نمی توان گفت همه این شهود ها صحیح است.

برخی از بزرگان نیز این مطلب را بیان کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

1. علی بن محمد ترکی اصفهانی مولف کتاب تمهید القواعد، در این باره می گوید: دانشمندان علوم نظری، میزان و معیاری دارند که بواسطه آن حق را از باطل و درست را از نادرست باز می شناسند. ولی سالکان طریق ریاضت و مجاهدت نفسانی چنین میزانی و معیاری ندارند (منطق مربوط به علم حصولی است نه مربوط به علم حضوری). ممکن است گفته شود معرفت حاصل از طریق سلوک راه باطن و مجاهده نفسانی، معرفت وجدانی و بدیهی است و به معیار و میزانی نیاز ندارد چنان که معرفت های بدیهی در علوم حصولی نیز بی نیاز از معیار تشخیص درست از نادرست است. وجود ناسازگاری در برخی از مشاهدات سالکان راه درون، دلیل بر نادرستی این سخن است (که بگوییم اینها وجدانی است و خطا در آنها راه ندارد). ایشان سپس درباره معیار تشخیص درست و نادرست می گوید: سالکان طریق مجاهدت پس از آنکه درون خویش از پلیدی و رذایل اخلاقی پاک می سازند، باید به کسب معرفت های حقیقی از طریق تفکر و نظر بپردازند، زیرا این معرفت ها برای سالکان طریق درون مانند علم منطق برای علوم نظری است. در این صورت سالک می تواند با ملکه ای که از طریق معرفت های حصولی و نظری بدست آورده است حق را از باطل باز شناسد. (آن عینکی که به چشم زده است سالم است و لذا واقعیت را آن گونه که هست به او نشان می دهد). این در صورتی است که شیخ طریق و راهنمای طریقت نداشته باشد که او را از منزلی به منزل دیگر رهنمون شود.[[1]](#footnote-1)

2. آیت الله جوادی نیز در کتاب معرفت شناسی در قرآن از سه منشا خطا در ارتباط با علوم حضوری یاد کرده اند. یکی مربوط به پس از علم حضوری است که تفسیر و تبیین آن خواهد بود. (این منشا خطا پسینی بود اما دو منشا دیگر یا همراه با علم حضوری و یا پیش از آن هستند). منشا دوم خطایی که همراه با معرفت حضوری برای فرد حاصل می شود و آن خلط عالم مثال متصل با عالم مثال منفصل است. یعنی آنچه را یک سالک غیر واصل در عالم مثال متصل خود می بیند (که در درون خود اوست و همان عالم خیال است)، در همان لحظه چنین می پندارد که آن امر متعلق به عالم مثال منفصل است و چون در مثال منفصل (که عالم مجردات است) و صنع بدیع خدای متعال است و هیچ گونه تفاوت و خلافی رخنه ندارد، چنین باور می کند که حق غیر مشوب را دیده است. نظیر رویاهای غیر صادق که در آنها هواجس نفسانی متمثل می شود و بیننده می پندارد که جزئی از نبوت انبائی نصیب وی شده است، در حالی که افکار خاص برای وی متمثل شده است. منشا خطای سوم سابق بر علم حضوری است و آن این است که گاه در اثر باورهای پیشین با چشم احول به سراغ عالم مثال منفصل می رود و آن را با نگرش خاص خود می بیند از این رو ممکن است اشتباه کند.[[2]](#footnote-2)

ایشان برای دوری از این خطا دو معیار و میزان را نام برده اند: یکی کشف و شهود معصومان است و دیگری حکمت متعالیه و عرفان نظری است. «همان گونه که علم حصولی دو قسم دارد: نظری و بدیهی، و نظری خطا پذیر است و بدیهی مصون از خطا است و برای صیانت از خطا در نظری باید بدیهی را اصل قرار داد و در پرتو آن نظری را روشن کرد، علم شهودی نیز دو قسم است: یک شهود معصوم از خطا و یک شهود مشوب به خطا. علم شهودی معصوم از خطا همان شهود انبیا و اولیای معصوم الهی است که هم در تلقی معارف مصون اند و هم در حفظ و نگهداری آن در مخزن علمی معصوم هستند و هم در ابلاغ و املای آن مصون از هرگونه اشتباه هستند. علم شهودی مشوب به خطا همان، کشف و شهود عرفای غیر معصوم است که برخی از علل اشتباه آنها اشارت رفت. و برای صیانت از حدوث خطا یا تنزیه آن از پیراستگی اشتباه باید کشف معصوم را اصل قرار داد و در پرتو آن کشف غیر معصوم را ارزیابی و تصحیح کرد؛ چنان که سالکان شاهد، به این اصل تصریح فرموده اند. حکمت متعالیه و عرفان نظری مبرهن، میزان خوبی برای تشخیص شهود مشوب از کشف خالص است. این مطلب نه برای برتری فلسفه بر عرفان است بلکه برای آن است که فلسفه الهی با همه شهرتی که دارد در ساحت عرفان چون منطق است در پیشگاه برهان و حکمت. یعنی جنبه میزانی و عالی دارد. بنابراین ورود به وادی ایمن عرفان برای ناآگاه از مبادی برهان میمون نخواهد بود».[[3]](#footnote-3)

3. عبدالرزاق لاهیجی نیز در گوهر مراد این مطلب را بیان کرده است.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. تمهید القواعد، ص 269- 270 ؛ عین النزاه، آیت الله جوادی، ج3، ص 279- 283 [↑](#footnote-ref-1)
2. معرفت شناسی در قرآن، آیت الله جوادی، ص 113 [↑](#footnote-ref-2)
3. معرفت شناسی در قرآن، آیت الله جوادی، ص 114- 115 [↑](#footnote-ref-3)